

مقایسه تحلیلی راهبرد نظامی آمریکا در دوران ترامپ و بایدن در رابطه با جمهوری اسلامی ایران

ابراهیم ضرغامی^۱، محمد ایزدی^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴

چکیده

راهبرد نظامی هر کشوری منطبق و هماهنگ با خط‌مشی‌ها، دکترین‌ها و اهداف دفاعی تهیه و تنظیم می‌شود. تدوین راهبرد نظامی مهم‌ترین وظیفه تشکیلات نظامی است که در هر کشور توسط بالاترین مقام نظامی آن کشور ارائه می‌شود. حضور و نفوذ نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا همواره از موضوعاتی بوده است که در راهبردهای منطقه‌ای این کشور مورد توجه ویژه قرار داشته و ج.ا.ایران در کانون هدف‌گذاری این راهبردها قرار می‌گیرد. شناخت دقیق راهبردهای نظامی برای اقدامات مقابله‌ای، دفع تهدید و جلوگیری از غافل‌گیری امری ضروری است. از این جهت مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال است: راهبرد نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا در دوران ترامپ و بایدن نسبت به ج.ا.ایران چیست؟ وجه تمایز و تشابه این راهبردها چگونه بوده است؟ این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. برای پاسخ به سوالات از منابع مکتوب و مجازی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند راهبرد نظامی آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ در برابر ج.ا.ایران، بازدارندگی رقابتی و در دوره ریاست‌جمهوری بایدن، ایجاد بازدارندگی یکپارچه و مشارکتی با هدف کنترل بوده است.

واژگان کلیدی: راهبرد نظامی، بازدارندگی مشارکتی، غرب آسیا، آمریکا، ج.ا.ایران.

۱. دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی و پژوهشگر مطالعات راهبردی دریایی (نویسنده مسئول).

Ezdaryahome93@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای و پژوهشگر حوزه مطالعات راهبردی.

۱. مقدمه

منطقه غرب آسیا در حوزه فرماندهی مرکز سنتکام^۱ تعریف شده است. این منطقه در تقاطع سه قاره قرار دارد و پشتیبانی کننده شبکه‌های منطقه‌ای و جهانی اقتصادی از طریق راه‌های دریایی تجاری مهم، دالان‌های هوایی، خطوط لوله و راه‌های زمینی است. کانال سوئز، باب‌المندب و تنگه هرمز مهم‌ترین نقاط ترابری تجاری و صادرات منابع انرژی هستند. از نگاه آمریکا این منطقه شامل ۲۱ کشور می‌شود که ج.ا.ایران، یمن، عراق، سوریه، لبنان، مصر، اردن، رژیم صهیونیستی، کشورهای خلیج فارس، آسیای مرکزی و جنوبی شامل آن می‌شوند. در راهبردهای آمریکا از ج.ا.ایران به عنوان بازیگر مخرب منطقه‌ای و عامل بی‌ثباتی در منطقه نام برده می‌شود. ایران و محور مقاومت به عنوان تهدید اصلی از نظر آمریکا و منافع آن، همواره در راهبردهای منطقه‌ای این کشور حائز اهمیت است. در نتیجه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به طور دائم عمده تمرکز راهبردهای نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا متوجه ج.ا.ایران بوده است.

وجود اختلاف بارز اندیشه انقلاب اسلامی با غرب و همچنین راهبرد ج.ا.ایران در دفاع از مظلومان، مقابله با ظلم‌ستیزی و به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی سبب گردید ج.ا.ایران به چالشی اساسی برای مستکبران جهان تبدیل شده و مانعی مهم در پیشبرد منافع آنان محسوب شود. بر همین اساس از اوائل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران با روش‌های مختلفی چون: ترور مسئولین و مقامات کشوری، کودتا، راه‌اندازی جنگ نظامی با ج.ا.ایران (جنگ تحمیلی عراق علیه ج.ا.ایران) و پشتیبانی همه‌جانبه از این کشور به دنبال نابودی و تضعیف ج.ا.ایران بودند.

اقدامات مطروحه و تحریم‌های مختلف سبب گردید تا ج.ا.ایران به توسعه بخش‌های مختلف از جمله بخش نظامی پرداخته و تا حد زیادی مانع وابستگی به دیگر کشورها شود. توانمندی ج.ا.ایران در بخش‌های مختلف از جمله: توانمندی‌های موشکی، پرنده‌های بدون سرنشین، قایق‌های تندرو، پدافند هوایی توانسته است به همراه شکل‌دهی محور مقاومت در

خارج از مرزهای کشور نیز قدرت دفاعی و قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران را ارتقاء داده است. این قدرت فراگیر ج.ا.ایران به یک چالش اساسی برای آمریکا و غرب تبدیل شده است. شکل‌گیری نظم جدید بین‌الملل و افزایش هزینه‌های آمریکا در منطقه باعث گردید آمریکا طیفی از راهبردهای نظامی را در برابر ایران در نظر بگیرد.

نیروهای مسلح همواره بایستی برای جلوگیری از غافل‌گیری راهبردی و عملیات در برابر انواع تهدیدات مختلف علیه کشور نیز با رصد دائم دشمن و اشراف بر اقدامات آنها، آمادگی لازم را در منطقه غرب آسیا داشته باشد. از آنجا که محور اصلی آمریکا در غرب آسیا، مقابله با ج.ا.ایران است؛ لذا بررسی راهبرد نظامی در دوران ترامپ و بایدن می‌تواند نقشه راه و راهنمایی جهت مطالعه رویکرد آمریکا در آینده باشد. بنابراین، سؤال اصلی پژوهش این است که راهبرد نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا در دوران ترامپ و بایدن در برابر ج.ا.ایران به چه صورت بوده است و وجه تمایز و تشابه آنها چیست؟ روش این پژوهش، کیفی بوده و داده‌ها با استفاده از رویکرد اسنادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به‌منظور گردآوری داده‌ها به منابع کتابخانه‌ای از جمله کتاب‌ها، مقالات، اسناد و گزارش‌های راهبردی مراجعه شده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه‌شناسی تحقیق

کتاب‌ها، مقالات و یادداشت‌های راهبردی متعددی در موضوع راهبرد آمریکا در منطقه غرب آسیا به رشته تحریر درآمده است؛ اما درخصوص موضوع این پژوهش که صرفاً بخش نظامی راهبردهای نظامی آمریکا را در بر می‌گیرد، مطالب اندکی نگارش یافته است و همین پژوهش‌های اندک، به‌صورت موردی و مربوط به یک دولت خاص بوده است. با بررسی اسنادی که در این زمینه منتشر شده‌اند، مقالات و نوشته‌های زیر مرتبط با موضوع پژوهش حاضر هستند:

امین پرتو در «راهبرد کلان آمریکا در دوره ترامپ و درس‌هایی برای ج.ا.ایران» (۱۳۹۷) که در فصلنامه مطالعات راهبردی چاپ شده، نتیجه‌گیری کرده است در میان نوشته‌هایی که

درباره راهبرد کلان آمریکا در دوره ترامپ به آن پرداخته شده، توجه بسیار اندکی به ج.ا.ایران شده است. هدف آمریکا این است که ج.ا.ایران را در تنگنای راهبردی - که حاصلش محدودیت حرکت هاست - قرار دهد. بنابراین، آمریکا خواهان یک تداوم راهبردی نسبت به ج.ا.ایران است.

محمود یزدان فام در مقاله فصلنامه مطالعات راهبردی با عنوان «راهبرد دولت ترامپ در مورد ج.ا.ایران؛ اهداف و سازوکارها» (۱۳۹۷) اشاره می‌کند که راهبرد ترامپ فشار بیشتر و اقدامات همه‌جانبه علیه ج.ا.ایران است. ترامپ به دنبال ترسیم تصویری ترسناک از ج.ا.ایران بود و به همین خاطر، مقابله با استراتژی ترامپ نیازمند اتخاذ استراتژی منسجم و حساب شده است.

فیروزه رادفر در «سیاست خارجی بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۹) در فصلنامه مطالعات راهبردی استدلال می‌کند که گفتمان حاکم بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ج.ا.ایران، بین‌المللی‌گرایی لیبرال است. در چارچوب این گفتمان، سیاست خارجی بایدن بر این اصول پنج‌گانه استوار است: نهادگرایی لیبرال؛ چندجانبه‌گرایی؛ فراآتلانتیک‌گرایی؛ حقوق بشر و گسترش دموکراسی؛ و مداخله‌گرایی بین‌المللی. سیاست هسته‌ای یا برجامی بایدن نیز در قالب این گفتمان و بر پایه این اصول نیز تعریف، تنظیم و تعقیب می‌شود.

محسن جمشیدی در شماره سوم فصلنامه سیاست پژوهشی جهان اسلام مقاله‌ای با عنوان «راهبرد کلان ایالات متحده آمریکا (در دوره جو بایدن) در منطقه غرب آسیا و تهدیدات و فرصت‌های آن بر مدیریت راهبردی جمهوری اسلامی ایران در محور تحت نفوذ خود با رویکرد تحلیلی» (۱۴۰۱) منتشر کرده و نتیجه‌گیری کرده است استراتژی بایدن در قبال ج.ا.ایران از «موازنه‌سازی مستقیم» به «موازنه از راه دور» تغییر یافته است. این استراتژی موجب فرصت‌هایی نظیر آزادی عمل بیشتر ج.ا.ایران و باز گذاشتن دست این کشور در محیط راهبردی خواهد شد و در نقطه مقال، عامل تهدیداتی چون انزوای بیشتر ج.ا.ایران در منطقه نفوذش با توجه به متحد شدن کشورهای عرب منطقه با رژیم صهیونیستی (برنامه صلح ابراهیم) خواهد بود. واگذاری منطقه غرب آسیا به متحدین منطقه، نظارت کیفی بر آن

و اولویت دادن به مبارزه با برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران مهم‌ترین استراتژی دولت بایدن در منطقه است.

همت‌الله شمولی در مقاله‌ای تحت‌عنوان «راهبرد کلان آمریکا برای مقابله با ج.ا.ایران در دولت جو بایدن: از سیاست ژئوپلیتیک‌زدایی تا مشروعیت‌زدایی» (۱۴۰۱) که در فصلنامه پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی چاپ شده است، این موضوع را مورد توجه قرار داده است که بر اساس آموزه‌های جنگ هوشمند، هدف آمریکا از اقدامات مذکور طی یک فرایند سینوسی و فرسایشی، تهی‌سازی و اعتبارزدایی از نظام سیاسی ج.ا.ایران در دو سطح داخل و خارج (مشروعیت‌زدایی و تسلیم‌سازی)، تهی‌سازی ظرفیت استراتژیک و ژئوپلیتیک ج.ا.ایران در منطقه برای خارج کردن ابزارهای قدرت از دست آن (تضعیف برای تسلیم یا تغییر نظام سیاسی) است.

۲-۲. مبانی نظری

۲-۲-۱. راهبرد امنیت ملی^۱ دفاع ملی^۲ آمریکا

«راهبرد امنیت ملی» سندی است که توسط رئیس‌جمهور آمریکا برای توسعه، اعمال و هماهنگی ابزارهای قدرت ملی به‌منظور نائل شدن به اهداف امنیت ملی ایجاد گردید (وزارت دفاع آمریکا^۳، ۲۰۱۸: ۱۶۲). این سند مجموعه‌ای از استراتژی‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی در حوزه‌های داخلی و خارجی راجع به روش‌های بهینه تأمین امنیت ملی آمریکا است (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۶: ۸). «راهبرد دفاعی» نیز یکی از ارکان مهم و زیرمجموعه «استراتژی ملی» یک کشور است و در ذیل سیاست‌های کلان دفاعی و امنیتی قرار می‌گیرد. پس می‌توان راهبرد دفاعی را علم و هنر به‌کارگیری قدرت کشور در جهت مقابله با تهدید یا تهدیدات امنیت ملی دانست (نوروزی، ۱۳۸۵: ۹۶). در راهبرد دفاعی بحث این است که

1. National Security Strategy
2. National Defense Strategy
3. U.S. Department of Defense

چگونه از تمام ابعاد قدرت ملی برای دستیابی به اهداف دفاعی کشور استفاده نماییم (افشردی، ۱۳۸۶: ۷).

«راهبرد دفاع ملی» سندی است که از سوی وزیر دفاع برای به کارگیری نیروهای مسلح ایالات متحده به همراه سازمان‌های وزارت دفاع و سایر ابزارهای قدرت ملی به منظور دستیابی به اهداف راهبردی امنیت ملی تصویب می‌شود و به آن NDS نیز گفته می‌شود (وزارت دفاع آمریکا، ۲۰۱۶: ۱۶۱). «راهبرد نظامی ملی»^۱ نیز یکی از عناصر مطالعات راهبردی است که بر اساس آن، بازیگران در سیستم بین‌المللی از ابزار نظامی به منظور دستیابی به مقاصد یا اهداف سیاسی استفاده می‌نمایند. بنابراین دولت‌ها به جهت تسلط بر قدرت نظامی، بازیگران اصلی نظام بین‌المللی به شمار می‌روند (بوزان، ۱۹۸۷: ۳). بنابراین، راهبرد نظامی ملی سندی است که از سوی ریاست کل ستادهای مشترک ارتش برای توزیع و اعمال قدرت نظامی به منظور دستیابی به اهداف راهبردی امنیت ملی و راهبرد دفاع ملی تصویب می‌شود (وزارت دفاع آمریکا، ۲۰۱۸: ۱۶۲).

۲-۲-۲. بازدارندگی شبکه‌ای

«بازدارندگی» در روابط بین‌الملل در جهت مدیریت الگوهای رفتاری منطقه‌ای و همچنین ایجاد پوشش حفاظتی و جهت‌دهی به سیاست‌های راهبردی در حوزه روابط خارجی استفاده می‌شود. اصول و مبانی بازدارندگی ریشه در واقع‌گرایی دارد؛ چراکه قدرت را محور قرار می‌دهد و پیش‌فرض آن نیز «مهار قدرت با قدرت» است (فرهادی و یزدانی، ۱۳۹۸: ۱۰). بازدارندگی، رایج‌ترین سیستمی است که کشورها جهت مقابله با تهدیدات خارجی در چرخه استراتژیک موجود به طراحی آن اقدام می‌کنند (عباسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۳).

سیستم بازدارندگی شبکه‌ای بر شکل‌گیری، گسترش ارتباطات درون‌شبکه‌ای و بین‌شبکه‌ای از جمله ارتباط بین حلقه‌ای و محور متمرکز است. در این سیستم هدف حفظ نظم مطلوب خود و جلوگیری از رفتارهای نامطلوب دشمن یا متخاصم هست (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۸).

اصولاً شبکه سازه فیزیکی است که از طریق پیوندهای ارتباطی بین اجزا تشکیل دهنده به وجود می‌آید. چنین شبکه‌هایی زمانی اهمیت دوچندان می‌یابند که نوعی عدم تقارن در وضعیت قدرت نظامی وجود داشته باشد. کاربردهای شبکه‌سازی نشان می‌دهد این رویکرد ممکن است بهترین روش برای ایجاد بازدارندگی باشد. مهم‌ترین کارکردهای شبکه‌سازی شامل موارد زیر است:

۱. متضرر ساختن دشمن از طریق ارتباط کار کردن بین حلقه‌های شبکه؛
 ۲. افزایش تعداد طرف‌های درگیر در بحران و در نتیجه افزایش فشارهای بازدارنده بر دشمن؛
 ۳. افزایش احتمال اتحاد و ائتلاف علیه دشمن؛
 ۴. افزایش احتمال سرایت بحران‌ها از سطح ملی و منطقه‌ای به سایر سطوح جمله جهانی؛
 ۵. افزایش احتمال درگیر ساختن دشمن در دیگر سطوح موضوعی و بحران‌زا (قاسمی و شکری، ۱۳۸۸: ۱۹۲).
- به‌علاوه، توجه به تمامی جنبه‌های شبکه منجر به شکل‌گیری شبکه‌های مرکب شده‌است که به‌نوعی مدل وابستگی حساس، در این نوع از شبکه‌ها نمایان می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۵: ۷۲).

۳-۲-۲. موازنه از راه دور یا موازنه فراساحلی^۱

استادان برجسته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در آمریکا با نام‌های استفان والت و جان میرشایمر در ماه جولای ۲۰۱۶ مقاله‌ای در مجله معتبر فارین افیریز در راستای معرفی مدل جایگزین برای سیاست خارجی آمریکا در سال‌های پیش‌رو به چاپ رساندند. با توجه به نظر آن‌ها، بهترین استراتژی برای سیاست خارجی آمریکا، اتخاذ راهبرد «موازنه از راه دور» است.

والث و میرشایمر «موازنه از راه دور» را به معنای انزوای آمریکا نمی‌دانند. آنها معتقدند هدف اصلی این راهبرد جلوگیری از هژمونی شدن مطلق یک کشور در مناطق مختلف جهان و مخصوصاً در منطقه اوراسیا است. آنها تاکید دارند آمریکا باید با انجام موازنه میان بازیگران مختلف اطمینان حاصل نماید که در مناطقی چون اروپا، خلیج فارس و شمال شرق آسیا هیچ بازیگری نقش دست برتر را نسبت به سایرین نخواهد یافت. برای حصول به این مهم آمریکا باید به‌طور فعال نسبت به تشکیل شبکه‌ای از متحدین و شرکای خود اقدام کند اما این به معنای مداخله و حضور مستقیم نظامی نیست. میرشایمر و والث معتقدند اصلی‌ترین رقیب آمریکا در جهان، کشور چین است؛ اما به‌طور خاص در مورد منطقه خلیج فارس توصیه می‌کنند آمریکا باید نیروهای نظامی خود را از این منطقه خارج کند و صرفاً به ایجاد توازن و تعادل میان بازیگران منطقه‌ای از جمله ج.ا.ایران و عربستان بپردازد. آنها با صراحت عنوان می‌کنند که آمریکا بهتر است آخرین نیرویی باشد که وارد درگیری می‌شود. به عبارتی، آمریکا بهتر است پایان‌دهنده جنگ‌ها باشد نه آغازگر آنها (آهوئی، ۱۳۹۵: ۵۱).

از دیدگاه والث و میرشایمر هدف اصلی راهبرد موازنه از راه دور، حفظ قدرت آمریکا و تسلط آن بر جهان با بهره‌برداری از روش‌های کم‌هزینه است (پاک‌نیا، ۱۳۹۸: ۲۲). والثر معتقد است اگر هیچ هژمون بالقوه‌ای در اروپا، شرق آسیا یا خاورمیانه وجود نداشته باشد، دلیل کمی برای استقرار نیروهای زمینی یا هوایی آمریکا در این مناطق وجود دارد و نیازی به داشتن یک نیروی نظامی بزرگ در این مناطق نیست و آمریکا باید در مواقعی که یک هژمون بالقوه وجود دارد به بازیگران منطقه‌ای به‌عنوان اولین خط دفاعی متکی باشد؛ زیرا آنها بیشترین منافع را در جلوگیری از تسلط قدرتی دیگر بر خود دارند. در صورتی که قدرت‌های محلی نتوانند هژمون را کنترل نمایند، آمریکا باید از قدرت لازم جهت تغییر موازنه به نفع خود برخوردار باشد (عباسی و طاهری، ۱۳۹۸: ۱۱).

۳. روش‌شناسی تحقیق

نوع این تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات موردنیاز از منابع کتابخانه‌ای شامل اسناد و مدارک مرتبط با موضوع مورد استفاده

قرار گرفته است. رویکرد اسنادی در این تحقیق غالب بوده و بخش عمده اسناد مورد استفاده در پژوهش، برگرفته از گزارش‌های راهبردی است که در قالب خروجی‌های پژوهشی سازمانی یا اظهارنظرهای مسئولان بیان شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی با استعانت از روش تحلیل محتوا است. در این روش، ضمن شناسایی یافته‌های عینی و ذهنی تحقیق با تاکید بر نظریه‌ها و دیدگاه استراتژیک، به تفسیر و تحلیل داده‌های کیفی پرداخته شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. راهبردهای نظامی دوران ترامپ و بایدن

جهت مطالعه و بررسی راهبرد نظامی ترامپ در منطقه غرب آسیا می‌توان به اسناد راهبردی منتشرشده توسط دولت ترامپ در سال‌های ۲۰۱۷ الی ۲۰۲۰ مراجعه نمود. این اسناد که محصول اجماع دستگاه‌های حاکمیتی، لابی‌های قدرتمند و جامعه اطلاعاتی در آمریکا می‌باشد، چارچوبی مشخص و واضح از اولویت‌های امنیتی و نظامی را جهت تبیین راهبرد نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا در اختیار قرار می‌دهد. قبل از پرداختن به مبحث راهبرد نظامی آمریکا در دوران ترامپ نیاز است ابتدا به راهبرد امنیت ملی به‌عنوان سند چشم‌انداز راهبردی اشاره شود.

در دسامبر ۲۰۱۷، دونالد ترامپ -رئیس‌جمهور آمریکا- اقدام به انتشار سند امنیت ملی دولتش کرد. بر اساس تنها سند راهبرد امنیت ملی منتشرشده توسط دولت ترامپ، چهار رکن (۱) حفاظت از مردم آمریکا، (۲) سرزمین مادری و سبک زندگی آمریکایی، (۳) گسترش رفاه و رونق اقتصادی در آمریکا، و (۴) حفظ صلح از طریق قدرت و افزایش نفوذ آمریکا مورد تأکید قرار گرفته است (مرادی و سعیدی فریادرس، ۱۴۰۰: ۱۱۹). رکن سوم و چهارم به‌صورت مستقیم‌تری ناظر بر نگاه و راهبرد آمریکا در جهان است. در سند راهبرد امنیت ملی در ارتباط با برتری و قدرت نظامی آمریکا آمده است:

«قدرت نظامی ایالات متحده مؤلفه‌ای حیاتی جهت رقابت با هدف نفوذ است. نیروهای مشترک نشان‌دهنده عزم و تعهد ایالات متحده است و ما را قادر به مبارزه برای جنگیدن و پیروزی در هرگونه درگیری احتمالی می‌کند که منافع حیاتی ایالات متحده را مورد تهدید

قرار می‌دهد. ایالات متحده باید برتری خود را حفظ کند، ترکیبی از قابلیت‌ها به میزانی کافی به منظور جلوگیری از موفقیت دشمن و اطمینان از اینکه پسران و دختران آمریکا هرگز در یک مبارزه برابر قرار نخواهند گرفت: «افزایش توان سلطه ما دیپلماسی مان را تقویت کرده و ما را قادر به شکل دادن به محیط بین‌الملل برای حفظ منافع خود می‌سازد» (سند امنیت ملی آمریکا^۱، ۲۰۱۷: ۲۸).

دومین سند مهم منتشرشده در دولت ترامپ، سند راهبرد دفاعی است که در فوریه ۲۰۱۸ تحت عنوان خلاصه «سند راهبرد دفاع ملی» توسط جیمز متیس -وزیر دفاع- منتشر شد. در مقدمه این سند این گونه آمده است: «مأموریت دیرپای وزارت دفاع فراهم نمودن نیروهای نظامی قابل قبول رزمی است که جهت ممانعت از جنگ و حفاظت از امنیت ملی مان نیاز می‌باشد. در صورت شکست بازدارندگی نیروی مشترک بایستی برای پیروزی مهیا شود. تقویت ابزارهای سنتی دیپلماسی آمریکا، وزارت دفاع گزینه‌های نظامی‌ای را برای اطمینان حاصل کردن رئیس‌جمهور و دیپلمات‌هایمان در مذاکره کردن از موضع قدرت فراهم می‌کند» (سند راهبرد دفاعی آمریکا^۲، ۲۰۱۸: ۴-۱). در بخش محیط راهبردی این سند ذکر شده است: «چالش‌های پیش‌روی مزیت نظامی ایالات متحده، بیانگر تغییری دیگر در محیط امنیت جهانی است. امروزه، در همه حوزه‌ها یعنی هوایی، زمینی، دریایی، فضا و فضای سایبری رقابت می‌شود. همچنین در ادامه این موضوع و در راستای کسب بازدارندگی در عصر رقابت برای آمریکا عنوان شده است. بعضی از رقبا و دشمنان آمریکا به دنبال بهینه‌سازی هدف قرار دادن شبکه‌های رزمی و روش‌های عملیاتی آمریکا هستند؛ درحالی‌که همچنان از دیگر عرصه‌های محدود رقابتی جنگ آشکار برای رسیدن به اهداف نهایی خود استفاده می‌کنند. به‌طور واضح در این سند عنوان شده است که اگر چنین روندهایی، نادیده گرفته شوند رقبا و دشمنان توانایی‌های آمریکا در بازدارندگی از تجاوز را به چالش خواهند کشید. در سند راهبرد دفاعی آمریکا، برتری قطعی نظامی برای آمریکا منوط به نیروی

1 . National Security Strategy (NSS)

2 . National Defense Strategy (NDS)

مهلک‌تر، اتحادها و شراکت‌های قوی، نوآوری در فناوری و دارا بودن یک فرهنگ عملکرد است» (سند راهبرد دفاعی آمریکا، ۲۰۱۸: ۱-۴).

مهم‌ترین ویژگی این سند - در جهت بهره‌گیری از توانایی‌ها و امکانات نیروهای مسلح برای رفع تهدید و ایجاد فرصت بیشتر ارائه شده است - این است که کشورهای روسیه، چین، کره شمالی و ج.ا.ایران به عنوان رقبای دشمنان اصلی آمریکا معرفی شده‌اند (مرادی و سعیدی فریادرس، ۱۴۰۰: ۱۱۹). همچنین در سند راهبرد دفاعی ۲۰۱۸ آمریکا در رابطه با ج.ا.ایران عنوان شده است که در منطقه غرب آسیا، ج.ا.ایران در حال رقابت با کشورهای همسایه‌اش است و تا مادامی که برای هژمون منطقه‌ای رقابت دارد از یک هلال نفوذ و بی‌ثباتی حمایت می‌کند و برای رسیدن به اهداف خود، فعالیت‌های تروریستی با پشتیبانی دولت، یک شبکه نیابتی در حال رشد و برنامه موشکی‌اش را به کار می‌گیرد (همان: ۴-۱).

سومین سند مهم راهبرد نظامی ملی آمریکا که به صورت خلاصه در سال ۲۰۱۸ منتشر شد، از جهت‌گیری راهبردی برای تنظیم یکپارچگی جهانی در سه افق جهت مقابله با چالش‌های محیط امنیتی موجود و آینده صحبت می‌کند:

الف) به کارگیری نیرو^۲ شامل «طرح‌ریزی»، «مدیریت نیرو»^۳ و «تصمیم‌سازی برای تحقق اهداف دفاعی منطبق بر راهبرد دفاع ملی» می‌شود.

ب) توسعه نیرو^۴ نیز «عملکردها»، «قابلیت‌ها» و «مفاهیم» را برای بهبود نیروی مشترک فعلی تطبیق می‌دهد.

پ) طراحی نیرو «نوآوری» می‌کند تا نیروی مشترک را قادر سازد اموری را که برای حفظ مزیت رقابتی در برابر هر دشمنی انجام می‌دهد به روشی متفاوت صورت پذیرد (وزارت دفاع آمریکا، ۲۰۱۸: ۵۷).

در خصوص راهبرد نظامی دوران بایدن در منطقه غرب آسیا باید اشاره کرد که در مارس ۲۰۲۱، بایدن ابتدا اقدام به نشر دستورالعمل موقت راهبردی امنیت ملی کرد. بعد از آن، در

1. National Defense Strategy (NDS)
2. Force Employment
3. force Management
4. Force Development

اکتبر ۲۰۲۲ «سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۲» را منتشر ساخت. بایدن در این سند هدفش را این گونه مطرح کرد:

«هدف ما واضح است. ما خواهان یک نظم بین‌المللی آزاد، باز، مرفه و امن بوده و به دنبال نظم آزاد هستیم که به مردم اجازه می‌دهد از حقوق و آزادی‌های اساسی و جهانی خود بهره‌مند شوند. از این جهت که برای همه کشورهایایی که این اصول را امضا می‌کنند، فرصتی برای مشارکت و نقش دادن به قوانین فراهم می‌کند، به همه ملت‌ها قدرت می‌دهد تا استانداردهای زندگی شهروندان خود را به‌طور مستمر بالا برده و ایمن از این جهت که از تجاوز، اجبار و ارباب دور است» (سند امنیت ملی آمریکا، ۲۰۲۲: ۱۱).

در سند مطروحه، دستیابی به این هدف را تلاش بر روی سه مؤلفه می‌داند؛

الف) «تلاش جهت سرمایه‌گذاری روی منابع و ابزارهای اساسی قدرت و نفوذ آمریکا»،
 ب) «ایجاد قوی‌ترین ائتلاف ممکن از کشورها برای تقویت نفوذ جمعی در جهت شکل دادن به محیط استراتژیک جهانی و حل چالش‌های مشترک»،

پ) «تقویت و مدرن‌سازی ارتش در راستای آماده و مجهز شدن در دوران رقابت با قدرت‌های بزرگ و توانایی اختلال در تهدیدات تروریستی خاک آمریکا» (همان: ۱۱).

همچنین بایدن در سند موقت راهبرد امنیت ملی در ارتباط با برنامه و سیاست‌هایش در منطقه غرب آسیا عنوان کرد، ایالات متحده در جنگ‌هایی طولانی مدت که به هزینه تریلیون‌ها دلار و هزاران تلفات جانی منجر خواهد شد، نباید شرکت کند و نخواهد کرد و آمریکا برای نابودی شبکه‌های تروریستی بین‌المللی، مقابله با تهاجمات ج.ا.ایران و محافظت از سایر منافع حیاتی آمریکا با در نظر گرفتن سطح موردنیاز، اقدام به کاهش روند حضور نظامی خواهد کرد.

بایدن در بخش منطقه‌ای راهبرد امنیت ملی از چارچوب سیاست جدیدی در منطقه نام می‌برد که دارای ۵ اصل است:

۱. حمایت آمریکا از کشورهایی که از قوانین موردنظر در نظم بین‌المللی پیروی می‌کنند و اطمینان آمریکا از اینکه این کشورها قادر خواهند بود در برابر تهدیدات خارجی از خود دفاع کنند.

۲. آمریکا اجازه به خطر انداختن آزادی دریانوردی را در آبراه‌های منطقه از جمله تنگه هرمز و باب‌المندب به قدرت‌های خارجی یا منطقه‌ای نخواهد داد و همچنین تلاش‌های هیچ کشوری را برای تسلط بر دیگری یا منطقه از طریق نظامی، تجمعات، تهاجمات یا تهدیدات تحمل نخواهد کرد.

۳. آمریکا همزمان ضمن تلاش برای جلوگیری از تهدیدات متوجه ثبات منطقه‌ای به تلاش‌های خود در راستای کاهش تنش‌ها و پایان دادن به درگیری‌ها تا جایی که ممکن است از طریق دیپلماسی ادامه خواهد داد.

۴. ارتقای یکپارچگی منطقه‌ای با ایجاد ارتباطات سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین شرکای آمریکا از جمله از طریق ساختارهای دفاعی یکپارچه هوایی، دریایی و درعین حال احترام به حاکمیت و انتخاب‌های مستقل هر کشور.

۵. ارتقا حقوق بشر و ارزش‌های مندرج در منشور سازمان ملل (سند امنیت ملی آمریکا، ۲۰۲۲: ۴۲).

در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ آمریکا، ائتلاف امنیتی و راهبردی ج.ا.ایران با روسیه و چین به‌مثابه تهدیدی منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس تلقی شده است. در این سند آمده است که هژمونی آمریکا ایجاب می‌کند که هیچ بازیگر منطقه‌ای جدیدی به قدرت فائقه در خلیج فارس دست پیدا نکند. محورهای اصلی سیاست مقابله‌جویانه ایالات متحده با ج.ا.ایران بر اساس معادله قدرت و تغییر در شکل‌بندی موازنه منطقه‌ای قرار گرفته است.

سند مهم منتشرشده دیگر در دولت بایدن، سند راهبرد دفاعی است که در اکتبر ۲۰۲۲ تحت‌عنوان راهبرد دفاع ملی آمریکا توسط وزیر دفاع خود (آستین) منتشر شد. در مقدمه این سند به چهار اولویت اصلی دفاعی آمریکا جهت تقویت توان بازدارندگی مطرح شده است که عبارت‌اند از:

«نخست اینکه ما از خاک آمریکا دفاع خواهیم کرد؛ دوم، ما از انجام حمله‌های راهبردی علیه آمریکا، متحدان و شرکای خود جلوگیری خواهیم کرد. سوم اینکه از وقوع حملات جلوگیری خواهیم کرد و در صورت نیاز از آمادگی لازم جهت پیروزی در درگیری‌ها برخوردار خواهیم بود و چهارم، ما به‌منظور اطمینان از برتری نظامی آینده خود اقدام به

ایجاد یک نیروی مشترک و اکوسیستم دفاعی منعطف خواهیم کرد» (سند راهبرد دفاعی آمریکا، ۲۰۲۲: ۱).

در سند راهبرد دفاعی آمریکا، تفکیکی از «تهدید فوری روس‌ها»، «تهدید تدریجی چین»، «تهدیدات پایدار ج.ا.ایران و کره شمالی و گروه‌های خشن فراملی» اشاره شده است. سند راهبرد دفاع ملی آمریکا اذعان دارد با توجه به استمرار روند کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا و خروج از افغانستان و ادامه این رویکرد در عراق و سوریه، این کشور با اتخاذ شیوه‌های مؤثر و ماندگار جهت مقابله با چالش‌های امنیتی مهم در منطقه اقدام خواهد کرد. نیروی مشترک^۱ توانایی خود را در جهت ممانعت از دستیابی ج.ا.ایران به سلاح هسته‌ای، همچنین تعیین و پشتیبانی از اقدام علیه تهدیدات ناشی از ج.ا.ایران و نیروهای تحت حمایتش را حفظ خواهد کرد و با تهدیدات سطح بالای سازمان‌های خشونت‌طلب افراطی که سرزمین و منافع ملی حیاتی آمریکا را در معرض تهدید قرار می‌دهند، مقابله می‌کند. وزارت دفاع همکاری با شرکای منطقه‌ای و جهانی را اولویت‌بندی خواهد کرد که در این صورت توانایی جلوگیری و دفاع در برابر تهاجم‌های بالقوه ج.ا.ایران به‌عنوان مثال به‌کارگیری دفاع هوایی و موشکی یکپارچه پیشرفته^۲، امنیت دریایی و قابلیت‌های جنگ نامنظم^۳ افزایش می‌یابد. در دوران بایدن (تا سال ۲۰۲۳)، سند راهبرد نظامی ملی جدید منتشر نشده است.

۲-۴. اهداف و منافع راهبرد نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا

بعد از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده آمریکا «سیاست انزوایلی» (دکترین مونروئه) را کنار گذاشت و رویکرد مداخله‌جویی فعال در امور بین‌الملل را در پیش گرفت. مبنای چنین سیاستی در منطقه غرب آسیا از همان ابتدا بر دو پایه «حفظ امنیت صدور انرژی به غرب» و «تأمین امنیت رژیم صهیونیستی» استوار بود. این استراتژی طی دهه‌های اخیر مبنای رفتاری ایالات متحده در قبال این منطقه را شکل داده است. همزمان با وقوع انقلاب اسلامی ایران، ایالات متحده نیز تاکتیک‌هایی همچون ایجاد پایگاه نظامی، حضور مستقیم، امضای قراردادها

1. Joint Force
2. Advance Integrated Air and Missile Defense
3. Irregular Warfare

و موافقت‌نامه‌های امنیتی با متحدان و دوستان خود در منطقه را در پیش گرفت و سپس با حمله نظامی مستقیم به افغانستان و عراق، تلاش کرد تا نظم منطقه را مطابق با خواست و منافع خود و در راستای توسعه هژمونی آمریکا رقم بزند. البته در این مسیر، جابه‌جا شدن قدرت بین احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه و گرایش سیاسی رؤسای‌جمهور حاکم بر آمریکا، یکی از عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر شیوه و نوع برخورد این کشور با منطقه غرب آسیا بوده است (مظاهری، ۱۴۰۱) در ادامه به مهم‌ترین اهداف راهبردی آمریکا در منطقه غرب آسیا اشاره می‌شود:

۱-۲-۴. دسترسی و حفظ نفوذ در منطقه

آمریکا جهت دستیابی به منافع و اهداف خود، نیاز به حفظ حضور در منطقه دارد. به‌عبارت‌دیگر، حضور و حفظ دامنه نفوذ آمریکا در منطقه به تقویت تمام اقدامات آمریکا در منطقه غرب آسیا منجر شده و پایه اصلی اقدامات نظامی آن به شمار می‌رود. آمریکا با القای ایجاد ناامنی و ترس از جنگ، کشورهای وابسته عربی را وارد معاملات و قراردادهای سنگین تسلیحاتی می‌کند، تا علاوه بر کسب سود حاصل از این اقدام و رونق دادن به کارخانه‌های تسلیحات‌سازی آمریکا، حضور نظامی و نفوذ خود را در کشورهای منطقه به‌عنوان حامی آنها حفظ نماید.

ترامپ از طریق دامن زدن به ایران‌هراسی، سلاح‌های خود را به قیمت گزاف به پادشاهی‌های نفتی ثروتمند خلیج‌فارس می‌فروخت و زمینه‌ای منطقه‌ای و توجیه‌پذیر برای تداوم حضور نظامی کشورش در منطقه به‌دست می‌آورد (یزدان فام، ۱۳۹۶: ۱۸۱). بر همین اساس، ترامپ در سند راهبرد امنیت ملی خود به وضوح اشاره می‌کند که آمریکا همچنان به حضور نظامی ضروری خود در منطقه در راستای حفاظت از منافع آمریکا و متحدان خود در برابر حملات تروریستی و حفظ موازنه قوای^۱ مطلوب ادامه خواهد داد (سند امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۷: ۵۰).

۲-۲-۴. حفظ امنیت رژیم صهیونیستی

حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی از زمان پایان جنگ جهانی دوم یک متغیر ثابت و تغییرناپذیر در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا بوده است. امنیت رژیم صهیونیستی، پایدارترین هدفی است که دچار عدم قطعیت نیست و مقامات آمریکا، رژیم صهیونیستی را شریک راهبردی خود در منطقه می‌دانند. به عبارت دیگر، رژیم صهیونیستی خط مقدم نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا است (فتحی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۹). بر این اساس باید این گونه تفسیر کرد مادامی که رژیم صهیونیستی در منطقه حضور دارد و حفظ موجودیت و نیز افزایش قدرت این رژیم یکی از دغدغه‌های اصلی آمریکایی‌ها است، حضور نیروهای آمریکایی در منطقه و حمایت‌های نظامی‌شان از کشورهای هم‌پیمان غیرقابل انکار است (کیومرث یزدان‌پناه درو و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹).

۳-۲-۴. کنترل و حفظ امنیت انرژی و تجارت دریایی

اهمیت خلیج فارس به ذخایر سرشار نفت و گاز در کف و بستر سواحل آن است؛ به طوری که این منطقه را «مخزن نفت جهان» نام نهاده‌اند. در حدود ۴۵ درصد نفت جهان از منطقه خلیج فارس تأمین می‌شود که این مقدار گاهی افزایش و گاهی کاهش می‌یابد. نفت تولید شده در حوزه خلیج فارس باید از طریق این پهنه آبی و از راه تنگه هرمز به سایر نقاط جهان حمل شود. خلیج فارس از نظر ذخایر نفتی در مقایسه با سایر نقاط جهان دارای مزایای زیادی مانند سهولت استخراج، هزینه پایین تولید، مازاد ظرفیت تولید، کیفیت بالای نفت خام منطقه، سهولت حمل و نقل، توان بالای تولید چاه‌ها و امکان کشف ذخایر جدید نفتی و وسیع در منطقه است (عاشوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۸). ایالات متحده نفت و گاز را برای امنیت انرژی و امنیت انرژی را برای تأمین امنیت ملی می‌خواهد. یک اقتصاد جهانی نیرومند با امنیت ملی آمریکا پیوند دارد و یکی از هدف‌های بنیادی آمریکا، تأمین امنیت انرژی است (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰). آمریکا به دنبال دستیابی به این هدف است که در جهان امکان دسترسی همگانی به انرژی مقرون به صرفه و مطمئن، از جمله سوخت‌های فسیلی با کارایی بالا، انرژی

هسته‌ای و انرژی‌های تجدیدپذیر برای کاهش فقر، کمک به رشد اقتصادی و ارتقای رونق و رفاه ایجاد شود (مؤسسه مطالعات معاصر ملل، ۱۳۹۶: ۲۸).

از دید قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون ایالات متحده، دفاع از منافع حیاتی غرب در منطقه مستلزم حضور نظامی در منطقه است، که بر این اساس تنگه هرمز به دلیل کانال انتقال نیروی دریایی به داخل خلیج فارس، ارزش نظامی دارد و از طرفی گسترش روند بهره‌برداری از ذخایر نفتی منطقه خلیج فارس توسط کشورهای اروپایی، آمریکا و ژاپن به وابستگی شدید به تنگه هرمز منجر گردیده است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱: ۴۲۸).

۴-۲-۴. مقابله با نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

هر کشوری در فضای جغرافیایی پیرامونی خود، منافع خاصی دارد که آن را در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای پیگیری می‌کند. ج.ا.ایران با گفتمان انقلاب اسلامی، الگوی مدنظر خود را وارد این میدان رقابتی کرده است و سعی دارد در این فضا در راستای اهداف، منافع انقلابی و ملی خود نقش‌آفرینی کند. بخشی از این اهداف در قالب سیاست دینی و شرعی انقلاب اسلامی تعریف می‌شود و بخش دیگر در قالب اهداف و منافع ملی. با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر در ساختار نظام سیاسی ایران، اهداف و مطلوبیت‌های سیاست نیز تغییر یافت و عامل هویت و ایدئولوژی انقلابی-اسلامی جایگزین سیاست ژاندارم منطقه شد. هویتی جدید که با سرشت و خاستگاه فرهنگی و اسلامی ریشه در اندیشه‌ها، باورها، آداب و تعلقات هزاران ساله دارد. فرهنگی که از آن به‌عنوان قدرت نرم تعبیر می‌شود توانست به‌سرعت، یک گفتمان مسلط و فعال هنجارساز را بازتولید نمود. این گفتمان از جهت نقش اساسی در هویت‌بخشی و یکپارچگی ج.ا.ایران داشته و از جهت دیگر با تأکید بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی، همواره جهت‌ساز و موتور انقلاب و تشکیل امت واحد جهانی تأکید نموده است و دفاع از حقوق مسلمانان و ضدیت و تداوم مبارزه با هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل را دنبال می‌کند (ازغندی، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۹). نویسندگان گزارش اندیشکده مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل در گزارش بازدارندگی [علیه] ج.ا.ایران بعد از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۷ اعتراف می‌کنند که «آمریکا در جلوگیری از گسترش تدریجی قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران و اقدام این کشور به آزمایش

آستانه [تحمل و قدرت آمریکا] با استفاده از طیف وسیعی از ابزارهای نظامی و شبه نظامی، تا حد زیادی شکست خورده است (خبرگزاری مشرق، ۱۳۹۶).

۳-۴. سیاست‌های اعمالی آمریکا در دوران ترامپ علیه ج.ا.ایران

آمریکا از جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگری که مخالف و ناهمسو با راهبردها و منافع آمریکا در منطقه نقش ایفا می‌کند، نام می‌برد. در نتیجه، راهبرد و سیاست‌های منطقه‌ای خود را با نگاه به ایران جلو خواهد برد. «وتل» فرمانده وقت سنتکام در ارتباط با مأموریت سنتکام^۱ این‌گونه بیان می‌کند که آمریکا قصد دارد این مأموریت را از طریق رویکرد راهبردی آماده‌شدن، دنبال نمودن و غلبه کردن انجام دهد (وتل^۲، ۲۰۱۸: ۷). از منظر آمریکا، ج.ا.ایران تهدیدات قابل توجهی را در منطقه علیه منافع ملی آمریکا، شرکا و متحدان آن انجام می‌دهد (وتل، ۲۰۱۷: ۲۷). وتل، از ج.ا.ایران به عنوان بازیگری نام می‌برد که عامل بی‌ثباتی در سراسر منطقه است و قدرت شبکه تحت حمایت ج.ا.ایران را که از آن با نام شبکه تهدید ایران^۳ معرفی می‌کند، افزایش می‌دهد که ظرفیت بیشتری برای تهدید منافع آمریکا و متحدین آن دارد. این فرمانده آمریکایی جهت مقابله با ج.ا.ایران عنوان می‌کند: «برای مقابله با توسعه‌گرایی و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ج.ا.ایران، سنتکام مانع تهاجم متعارف ایران می‌شود، شبکه متحدین و شرکا را تقویت می‌کند و برای نفوذ در سرتاسر منطقه با ج.ا.ایران رقابت می‌کند. نیروهای آمریکا سطح آمادگی بالایی در پایگاه‌های موجود در منطقه دارند و کدام از آبراهه‌ها نگهبانی می‌کنند. این حضور مداوم مانع حملات متعارف نظامی ج.ا.ایران علیه متحدانمان می‌شود و از مسیرهای دریایی محافظت می‌کند. با بهبود توانمندی دفاعی متحدین عربمان و تشویقشان برای همکاری در قالب ائتلاف، سدی در برابر تجاوز ج.ا.ایران و جنگ نیابتی

۱. فرماندهی مرکزی آمریکا یا سنتکام یکی از فرماندهی‌های نبرد منطقه‌ای آمریکا می‌باشد که مسئولیت منطقه غرب آسیا را برعهده دارد. این فرماندهی هر ساله در کمیته نیروهای مسلح کنگره برنامه‌ها و اقدامات خود در منطقه را بیان می‌کند. مأموریت سنتکام هدایت و میسر کردن عملیات و اقدامات نظامی به همراه متحدین و هم‌پیمانان خود برای افزایش امنیت و ثبات منطقه‌ای با هدف تحقق منافع پایدار آمریکا است.

2. VOTEL

3. Iranian Threat Network (ITN)

ایجاد کرده‌ایم. تلاش می‌کنیم که تبدیل به متحد منتخب اعضای شورای همکاری خلیج فارس شویم و متحدانمان در شام شبکه تهدید ج.ا.ایران را تضعیف کنند و نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی شروانه تهران را محدود سازند» (وتل، ۲۰۱۹: ۳۲). فرماندهی سنتکام جهت مقابله با اقدامات ج.ا.ایران برقراری روابط متقابل با شرکا منطقه‌ای و انجام اقدامات دوجانبه و چندجانبه مانند رزمایش‌های دریایی و توسعه دفاع موشکی یکپارچه با شرکای خود در منطقه را ابزاری جهت توقف اقدامات ج.ا.ایران در منطقه می‌داند (همان: ۳۲).

مکنزی -فرمانده اسبق سنتکام- در یک مصاحبه با مؤسسه خاورمیانه در تاریخ ۲۱ خردادماه ۱۳۹۹ این‌گونه عنوان کرد:

«ما در حال حاضر، در دوره‌ای هستیم که من آن را "رقابت در بازدارندگی" یا "بازدارندگی رقابتس" با ج.ا.ایران می‌نامم. این وضعیت از زمانی اتفاق افتاد که آمریکا به قاسم سلیمانی حمله کرد و در نتیجه آن ج.ا.ایران نیز به نیروهای آمریکایی در اربیل و همچنین در پایگاه هوایی الاسد حمله کردند» (مکنزی، ۲۰۲۰).

بنابراین هدف فرماندهی سنتکام استقرار نیروها و دستیابی به عمق عملیاتی در منطقه با هدف دست یافتن به شرایط بازدارندگی پایدار علیه ج.ا.ایران، بدون تحریک غیرضروری و دستیابی به انعطاف‌پذیری مناسب در برابر تهدیدات آتی ج.ا.ایران و درعین حال، تداوم افزایش فشار حداکثری ایالات متحده علیه ج.ا.ایران است. علاوه بر وضعیت استقرار نیروها، اطلاعات، مراقبت و شناسایی نیز بخش اصلی توان بازدارندگی است. با وجود اینکه حضور نیروها بر اساس ملزومات بازدارندگی ممکن است متغیر باشد، اما اطلاعات، مراقبت و شناسایی پایدار برای شناسایی تغییرات ماهرانه‌ای که باعث شکل‌دهی وضعیت استقرار نیروها و اطمینان از حضور هماهنگ و مناسب آمریکا می‌گردد، بسیار حائز اهمیت است (مکنزی، ۲۰۲۰: ۶).

۱-۳-۴. افزایش ظرفیت شرکا

در گزارشی که فرماندهی مرکزی آمریکا در سال ۲۰۱۷ منتشر کرد بر ایجاد ظرفیت مشارکتی تأکید شده است. بر اساس سند راهبرد دفاع ملی آمریکا در سال ۲۰۱۸ وحدت و همکاری‌های متقابل بسیار مهم تلقی شده است؛ زیرا این راهبرد برتری بادوام و نامتقارن را برای آمریکا

ایجاد می‌نماید. این گزارش می‌افزاید آمریکا با همکاری شرکا و متحدان قادر خواهد بود بزرگ‌ترین قدرت را جهت ارتقای بلندمدت منافع خود ایجاد کرده و توازن مطلوب قدرت را برای بازدارندگی از تجاوز و پشتیبانی از ثباتی که موجب رشد اقتصادی می‌شود، حفظ نماید (راهبرد دفاع ملی آمریکا، ۲۰۱۸: ۸). تقویت توانمندی کشورهای حوزه خلیج فارس مانند امارات، عربستان سعودی، قطر، بحرین و کویت در حوزه دفاع موشکی و هوایی از جمله این اقدامات است.

۲-۳-۴. تقویت دفاع موشکی و هوایی

اندیشکده «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل» در یکی از گزارش‌هایش تحت‌عنوان "بازدارندگی [علیه] ج.ا.ایران بعد از توافق هسته‌ای در ارتباط با توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران" بیان می‌کند: «آمریکا باید از کانال‌های دیپلماتیک برای عقب راندن ظرفیت ج.ا.ایران در ساخت موشک‌های بالستیک استفاده و در جهت تعیین سقف برای بُرد و / یا قدرت حمل موشک‌های ج.ا.ایران [با کشورهای مختلف] مذاکره کند؛ همکاری‌ها در زمینه دفاع موشکی را با کشورهای شورای همکاری خلیج [فارس] و میان خود این کشورها تقویت کند و ظرفیت‌های منطقه‌ای را برای قطع دسترسی نیروهای نیابتی ج.ا.ایران به موشک افزایش دهد؛ درخواست ارتش آمریکا برای ۹ سامانه موشکی «تاد» و یک سامانه «پاتریوت» دیگر را در نظر بگیرد؛ و برای آنکه در میان اولویت‌های بودجه «آژانس دفاع موشکی» رقابت و تداخل به وجود نیاید، برای اعطای کمک به رژیم صهیونیستی در زمینه دفاع موشکی، از کانال «کمک‌هزینه‌های نظامی خارجی» استفاده کند» (خبرگزاری مشرق، ۱۳۹۸). در همین راستا وتل فرمانده وقت سنتکام نیز در بیانیه‌ای عنوان می‌کند که در حال تقویت سامانه‌های دفاع هوایی و موشکی یکپارچه در منطقه است. او همچنین عنوان می‌کند برخی از کشورهای عضو سازمان همکاری خلیج فارس تمایل خود را به ادغام سامانه‌های موشکی و ضد پهپادیشان با سامانه‌های دفاع هوایی و موشکی آمریکا یکپارچه اعلام کرده‌اند. ادغام این سامانه‌ها به افزایش ایمنی در برابر تهدیدهای گوناگون منجر می‌شود (وتل، ۲۰۱۸: ۳۶). شرکای عضو شورای همکاری خلیج فارس به واسطه خرید و استفاده از سامانه پدافند هوایی

پاتریوت و تاد و توسعه سامانه اعلام هشدار نزدیک موشکی بالستیک به دنبال راه‌اندازی سامانه‌ای یکپارچه متشکل از سامانه‌های مستقر در شبه‌جزیره عربستان هستند.

۳-۳-۴. کمک‌های نظامی و فروش تسلیحات

فرماندهی سنتکام از اختصاص سالانه بیش از ۲ میلیارد دلار به بخش دفاعی و امنیتی شامل: اختصاص ۱/۷ میلیارد دلار در تأمین منابع مالی فروش تسلیحات نظامی خارجی وزارت امور خارجه در راستای تأمین کالاها، خدمات یا آموزش؛ اختصاص ۲۶۵ میلیون دلار به بخش ۳۳۳ اختیارات منابع وزارت دفاع ایالات متحده به منظور کمک به تقویت قابلیت‌های کشورهای شریک؛ اختصاص ۱۷ میلیون دلار به بخش تعلیم و آموزش نظامی بین‌المللی وزارت دفاع با هدف بهبود قابلیت همکاری متقابل نیروها و ایجاد روابط با رهبران آتی؛ اختصاص ۴ میلیون دلار به برنامه مقابله با تروریسم و همکاری جنگی نامنظم؛ و اختصاص ۳/۶ میلیون دلار به صندوق نوآوری و لز حمایت می‌نماید. روی هم‌رفته، برنامه‌های وزارت خارجه و دفاع ایالات متحده به حفظ تداوم نفوذ ایالات متحده، بهبود وضعیت استقرار نیروهای خود و قابلیت همکاری متقابل با شرکا و ایجاد فرصت‌هایی در راستای پیشبرد اهداف ایالات متحده کمک می‌نماید (مکنزی، ۲۰۲۰: ۱۴).

۴-۳-۴. جمع‌آوری اطلاعات

جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از مهم‌ترین برنامه‌های ارتش و سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در منطقه می‌باشد به طوری که علاوه بر سایر منابع جمع‌آوری مانند ماهواره‌های جاسوسی و منابع انسانی، به صورت روزانه فعالیت‌های پروازی گسترده‌ای بر فراز آسمان منطقه غرب آسیا مخصوصاً افغانستان، عراق، سوریه، یمن، خلیج فارس صورت می‌پذیرد. در گزارش سال ۲۰۱۷ فرماندهی سنتکام عنوان شده است که این مرکز الزامات روزانه ۲۸۰۰ ساعت ویدئوی سیار، هزاران تصویر ثابت، هزاران ساعت رهگیری سیگنالی و سایر منابع جمع‌آوری اطلاعات مهم را در اختیار دارد و این الزامات فقط محدود به کشورهای افغانستان، عراق و سوریه نیست و در سرتاسر منطقه گسترده شده‌اند. با به‌کارگیری عملیات اطلاعاتی به‌عنوان یک قابلیت فراگیر و بلندمدت دولت آمریکا کمک می‌کند تا بهبود ثبات منطقه‌ای (مدنظر آمریکا)

را در عین کاهش نیاز به نیروهای آمریکایی اعزامی بهبود دهد. وزارت دفاع، هماهنگ با سایر آژانس‌های دولت آمریکا، تعدادی از مبارزات عملیات اطلاعاتی، با بهره‌گیری از آخرین فناوری‌ها ایجاد کرده است که در حوزه اطلاعات عمل می‌کنند (وتل، ۲۱۰۷: ۵۲).

۴-۳-۵. ائتلاف‌سازی

آمریکا با بهبود توانمندی دفاعی متحدین عرب و تشویق آنها برای همکاری در قالب ائتلاف، به دنبال ایجاد سدی در برابر اقدامات ج.ا.ایران است (وتل، ۲۰۱۸: ۲۹). ائتلاف امنیت دریایی بین‌المللی^۱ که در ژانویه سال ۲۰۲۰ (دی‌ماه ۱۳۹۸) عملیاتی شد، نمونه‌ای از این نوع اقدامات تعاملی (مشارکتی) منطقه‌ای است. کشورهایی شامل آمریکا، انگلیس، آلبانی، استرالیا، بحرین، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به منظور پشتیبانی از آزادی عبور و مرور دریایی و آگاهی از شرایط محدوده دریایی تنگه هرمز و شناسایی تهدیدات در این آب‌های مهم با یکدیگر مشارکت و همکاری می‌نمایند. شناورها و هواپیماهای کشورهای عضو ائتلاف امنیت دریایی بین‌المللی با هدف پشتیبانی از جریان آزاد تجارت تنگه‌های حیاتی منطقه (موردنظر آمریکا)، اقدام به ایجاد هوشیاری، مراقبت و اطمینان نموده‌اند. (مکنزی، ۲۰۲۰: ۱۴).

۴-۳-۶. آمادرسانی

شبکه پشتیبانی غربی یک تسهیل‌آمادی جدید است که وسعت آن از دریای سرخ و بنادر دریای مدیترانه تا خلیج عربی (خلیج فارس) را در بر می‌گیرد و به‌منظور کاهش اثرات بالقوه و احتمالی ناشی از مسدود کردن تنگه باب‌المنذب و تنگه هرمز طراحی شده است. ایجاد این شبکه رویکرد دولت ترامپ در منطقه غرب آسیا بود که با هدف افزایش چابکی، تقویت اعزام پویای نیرو و کاهش مدت‌زمان اعزام در مواجهه با درگیری‌ها ایجاد شد. این شبکه به‌منظور تسهیل جابجایی و استفاده سریع از نیروهای آمریکایی، متحدان و شرکای آمریکا، با تجهیزات و منابع موجود در منطقه پشتیبانی می‌شود (همان: ۱۲).

۴-۴. سیاست‌های اعمالی آمریکا در دوران بایدن علیه ج.ا.ایران

در سال ۲۰۲۱ فرمانده مرکزی آمریکا مأموریت سنتکام را هدایت نموده و توانمندسازی عملیات‌ها و اقدامات نظامی به همراه متحدان و شرکای آمریکا در راستای افزایش امنیت، ثبات منطقه‌ای و پشتیبانی از منافع پایدار آمریکا را مورد تأکید قرار داد. فرمانده سنتکام اقدامات ج.ا.ایران در منطقه را بی‌ثبات کننده عنوان کرد که به‌طور دائم در منطقه در حال اجرا می‌باشد. همچنین از ج.ا.ایران به‌عنوان کشوری نام می‌برد که با بهره‌برداری از توان موشکی بالستیک، موشک کروز، پهپادهای نظامی، نیروهای نیابتی و تحت حمایت خود در حال مبارزه آشکار با آمریکا و متحدان آن با اجرای حملات مستقیم است که این اقدام به کشته و زخمی شدن نیروهای ائتلافی و غیرنظامیان منجر شده است (مکنزی، ۲۰۲۱: ۲).

در همین راستا مکنزی رویکرد استراتژیک خود در منطقه را همکاری، مشارکت با شرکا، رقابت و درگیری با دشمنان دانسته و سه اقدام مهم را به‌عنوان اولویت خود معرفی کرده است:

الف. اولین اقدام جلوگیری از اقدامات ج.ا.ایران علیه نیروها و منافع آمریکا و تقویت قابلیت شرکای آمریکا جهت دفاع از خود است.

ب. دومین اقدام سنتکام، تضعیف و نابودی سازمان‌های تندرو و خشن به‌عنوان یک چالش مداوم است که باعث بی‌ثباتی منطقه و سرزمین آمریکا شده و منافع حیاتی آمریکا، شرکا و متحدان آن را مورد تهدید قرار داده است.

پ. سومین اقدام آمریکا رقابت راهبردی بلندمدت با چین و اقدامات همزمان با روسیه است. با روی کار آمدن «کوریلا» در سمت فرماندهی سنتکام، وی رویکرد استراتژیک خود در منطقه را به مردم، شرکا و نوآوری تغییر داد (کوریلا، ۲۰۲۳).

بازدارندگی یکپارچه برای آمریکا منافع حیاتی در برابر تجاوزات چین، روسیه و سایر کشورها ایجاد خواهد کرد. استراتژی دفاعی آمریکا به دنبال حفظ و تقویت بازدارندگی است و بر بازدارندگی یکپارچه تأکید دارد (راهبرد امنیت ملی آمریکا، ۲۰۲۲: ۲۲). ایجاد این بازدارندگی یکپارچه از سه طریق انجام می‌شود؛

(۱) همکاری بین بخشی در درون آمریکا بین وزارت دفاع، وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا،

(۲) تقویت همکاری بین المللی با شرکا، سازمان‌ها و نهادهای بین المللی از جمله ناتو،

(۳) تقویت همکاری‌های منطقه‌ای با متحدان در منطقه خاورمیانه (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۱).

این سند، «بازدارندگی یکپارچه» را محور خود می‌داند؛ یعنی تهدید اقتصادی، سیاسی و نظامی علیه هر کشوری که بخواهد اهداف سیاست خارجی آمریکا را به چالش بکشد. وزیر دفاع آمریکا در توضیحات ارائه شده درباره این سند اظهار کرد:

«هدف مرکزی ما توسعه، ترکیب و هماهنگی قدرتمان تا حد ممکن است. این نقطه مرکزی بازدارندگی یکپارچه ما و بخش مهم از استراتژی دفاع ملی ۲۰۲۲ است. بازدارندگی یکپارچه به معنای استفاده از تمامی ابزارهای ممکن و همکاری با همتایان خود در دولت آمریکا و شرکا و متحدان خارجی است تا اطمینان حاصل شود دشمنان احتمالی درک می‌کنند که تهاجم چقدر احمقانه است» (همان).

وزارت دفاع آمریکا با همکاری شرکای منطقه‌ای و جهانی خود به دنبال افزایش توانایی جهت جلوگیری و دفاع در برابر تهاجم‌های احتمالی ج.ا.ایران با انجام اقداماتی مانند دفاع هوایی و موشکی یکپارچه، امنیت دریایی و قابلیت‌های جنگ نامنظم اولویت بندی است (راهبرد دفاع ملی آمریکا، ۲۰۲۲: ۱۵). ژنرال کوریلا در سال ۲۰۲۳ در ارتباط با سطح تهدیدات ج.ا.ایران در کنگره عنوان کرد که «مسئلاً بازدارندگی در برابر ج.ا.ایران بیش از هر زمان دیگری در تاریخ فرماندهی سنتکام ضروری است» (کوریلا، ۲۰۲۳).

۱-۴-۴. همکاری و مشارکت منطقه‌ای

در راهبرد امنیت ملی و دفاع ملی آمریکا در سال ۲۰۲۳ مورد اشاره قرار گرفته است که این کشور نیازمند تقویت ساختارهای امنیتی در مناطق کلیدی و مهم جهان به منظور بهره‌برداری کامل از قابلیت‌های متحدان و شرکای خود جهت جلوگیری و در صورت نیاز شکست تهاجم دشمن است. آمریکا به منظور تقویت توان بازدارندگی و دفاع منطقه‌ای همکاری نزدیک و همه‌جانبه با متحدان و شرکای خود را در حوزه پدافند هوایی و موشکی از مهم‌ترین

اولویت‌های خود می‌داند. در همین راستا آمریکا به منظور حفاظت و حراست از نیروهای اعزامی خود، حفظ آزادی عمل و تقویت تعهدات امنیتی خود نسبت به متحدان و شرکا اقداماتی را جهت تقویت برنامه قابلیت‌های مشترک پدافند هوایی و موشکی یکپارچه متحدان به منظور حفظ قابلیت‌های دفاعی مطمئن نیروهای موشکی مشترک و زیرساخت‌های مهم و حیاتی علیه تهدیدات موشکی ادامه خواهد داد. سنتکام در سال ۲۰۲۳ اذعان کرد که به دنبال اثبات وفاداری خود به شرکا و متحدان در راستای تقویت همکاری مؤثر و کارآمدتر در حوزه دفاع از خودشان است (کوریلا، ۲۰۲۳).

۲-۴-۴. تقویت ائتلاف‌ها

در سال ۲۰۲۱ فرمانده سابق سنتکام ایجاد «نیروی دریایی مرکب»^۱ و «سازوکار بین‌المللی امنیت دریایی»^۲ را دو نمونه از همکاری‌ها در حوزه دریا معرفی کرد که نشان‌دهنده تعهد آمریکا در ایجاد ارتباط و مشارکت‌های گسترده‌تر است (مکنزی، ۲۰۲۱: ۱۷). در سال ۲۰۲۳ کوریلا از نیروهای دریایی مرکب که یک شراکت بین‌المللی دریایی به رهبری نیروی دریایی سنتکام است، به عنوان یک شراکت عمیق و پایدار نام برد و آن را بزرگ‌ترین «مشارکت دریایی بین‌المللی جهان» جهت حفظ "نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین" دانست. وی مدعی بود در این مشارکت ۳۸ کشور شرکت دارند که با بازیگران دولتی و غیردولتی در آب‌های آزاد مقابله کرده و امنیت، ثبات و رفاه را در آب‌های بین‌المللی ارتقا می‌دهند. نیروی رزمی مرکب ۱۵۳^۳ یکی از چهار نیروی رزمی اقدام‌کننده تحت نظر نیروی دریایی مرکب است. مأموریت این نیروی رزمی تمرکز بر امنیت دریایی در دریای سرخ، باب‌المندب و خلیج عدن است. گروه رزمی ۱۵۳ در ۱۷ آوریل ۲۰۲۲ آغاز به کار کرد. (کوریلا، ۲۰۲۳).

۳-۴-۴. سیستم دفاع هوایی و موشکی یکپارچه

با توجه به این موضوع که توان موشکی بالستیک ج.ا.ایران قدرتمندترین توان در منطقه است، فرماندهی سنتکام در راستای ایجاد لایه دفاعی اقدام به یکپارچه‌سازی سامانه‌های پدافند

1. Combined Maritime Force
2. International Maritime Security Construct
3. Combined Task Force 153 (CTF 153)

هوایی پاتریوت، سنتینل و اونجر، همچنین رزم ناوها و ناوشکن‌های نیروی دریایی نموده و در صورت لزوم دفاع هوایی و موشکی با سامانه‌های ارتفاع بالا تقویت خواهد شد. از آنجایی که حدود ۸۰ درصد سامانه‌های دفاع هوایی منطقه‌ای در اختیار کشورهای خلیج (فارس) است، سنتکام در تلاش است تا در یک بازه بلندمدت و هماهنگ با شرایط منطقه بر روی دفاع هوایی و موشکی یکپارچه متمرکز شود (مکنزی، ۲۰۲۱: ۷). «جان کربی» سخنگوی پنتاگون نیز در این زمینه گفته است:

«مقامات در حال بررسی این ایده هستند که بتوانند به‌نوعی همه کشورهای منطقه پدافند هوایی را یکپارچه کنند تا واقعاً پوشش مؤثرتری برای مقابله با تهدید فزاینده ج.ا.ایران وجود داشته باشد. با توجه به افزایش سطوح تهدید برای آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن، سند دفاع ملی ایالات متحده صراحت و تأکید بیشتری بر عملیاتی‌سازی بازدارندگی یکپارچه و محقق ساختن سیستم یکپارچه دفاع موشکی کرده است که تا پیش از آن صرفاً یک ایده بود (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۱).

۴-۴-۴. تمرینات و رزمایش‌های هدفمند

در دوران بایدن نیز همانند گذشته تمرینات و رزمایش‌های منطقه‌ای آمریکا در منطقه تداوم داشته است؛ به طوری که سنتکام معتقد است با وجود برخی از محدودیت‌ها به خاطر شیوع ویروس کرونا اما شرکای آمریکا با موفقیت اقدام به اجرای رزمایش‌های بزرگ و چندملیتی مانند رزمایش ستاره درخشان^۱، آی.ام. ایکس^۲ و رزمایش شیر آماده^۳ کرده‌اند.

در همین راستا آژانس خبری سعودی در تاریخ ۱۹ مارس ۲۰۲۳ خبر از مشارکت نیروی دریایی عربستان در رزمایش بین‌المللی دریایی چندملیتی^۴ که به منظور تحکیم امنیت دریایی در چندین منطقه از جمله خلیج عربی و دریای سرخ با مشارکت ۷ هزار شرکت‌کننده از ۵۰ کشور، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ۳۰ سامانه هوش مصنوعی و سامانه‌های بدون

1. BRIGHT STAR
2. IMX
3. EAGER LION
4. IMX/CE23

سرنشین و ۳۵ شناور دریایی داد. در جریان این رزمایش چندین سناریو دریایی در مناطق عملیاتی در خلیج عربی، دریای عمان، شمال دریای عرب، اقیانوس هند، خلیج عدن و دریای سرخ، اجرا شد (واس، ۲۰۲۳).

۵-۴-۵. نوسازی ساختار استقرار ارتش آمریکا

فرماندهی سنتکام در منطقه در دوران بایدن جهت محافظت از نیروهای خود در برابر تهدیدات موشکی و پهپادی ج.ا.ایران از تاکتیک پراکندگی و توزیع نیروها^۱ بهره‌برداری می‌کند. استفاده از رویکرد توزیع نیروها باعث کاهش هزینه‌ها و بهبود آرایش دفاعی آمریکا شده و روند تحمیل خسارت گسترده علیه دارایی‌های آمریکا و نیروهای ائتلاف را دشوارتر خواهد کرد (مکنزی، ۲۰۲۰: ۷). مکنزی برخی از اقداماتی را که آمریکا در راستای دفاع عامل و غیرعامل به منظور ایمنی نیروهای آمریکا، جلوگیری از اقدامات بی‌ثبات‌کننده ج.ا.ایران و فراهم‌کننده امنیت و ایمنی منطقه‌ای در دستور کار دارد را در قالب موارد ذیل برشماری می‌کند:

- (۱) ایجاد توانایی مقابله با مین‌های دریایی خطرناک با به‌کارگیری شناورهای مین‌روب کلاس اونجر^۲ و بالگردهای MH-53E جهت کمک به آزادی ناوبری دریایی آمریکا و شناورهای تجاری؛
- (۲) به‌کارگیری سکوهای اطلاعات، مراقبت و شناسایی^۳ از قبیل پرنده بدون سرنشین MQ-9 به منظور نظارت و شناسایی تهدیدات بالقوه یا فعالیت‌های هشدار زودهنگام؛
- (۳) پیگیری فرصت‌های موجود در راستای تسهیل استقرار نیروهای اعزامی به منطقه در محدوده تحت کنترل فرماندهی سنتکام که از آسیب‌پذیری کمتری برخوردار هستند؛
- (۴) تجزیه و تحلیل طرح‌های پیشنهادی مربوط به حفاظت زاغه‌های مهمات و انجام اقدامات کاهش‌دهنده اثر انفجار حملات به بهبود ایمنی پناهگاه‌هایی که در برد

1. Distributing Forces

2. Avenger-Class

3. Intelligence, Surveillance, and Reconnaissance

موشکی دشمن هستند، منجر می‌شود و در نتیجه احتمال خطر ضربه مغزی^۱ در مواجهه با حملات موشکی و راکتی را کاهش می‌دهد؛

(۵) تقویت سیستم موشکی پاتریوت و سامانه‌های ضد راکت و توپخانه‌ای که به عنوان سکوها‌ی پدافند هوایی زمین پایه، اثرگذاری و توان خود را برای دفاع از آمریکا و شرکایش به اثبات برسانند؛

(۶) همچنین در محدوده تحت کنترل سنتکام پرنده سوخت‌رسان KC-46 جایگزین پرنده‌های قدیمی KC-135 خواهند شد تا نقش حیاتی را در افزایش توانمندی‌های سنتکام در اجرای مأموریت‌های ضروری در یک منطقه وسیع با محدودیت‌های فرودگاه‌های مناسب ایفا نماید (مکنزی، ۲۰۲۸: ۸).

فرماندهی سنتکام به دنبال این موضوع است که در سراسر منطقه با بهره‌برداری از سیستم‌های بدون سرنشین و هوش مصنوعی بتواند اطلاعات بهتری را سریع‌تر ایجاد نماید. گروه‌های رزمی ۵۹، ۹۹ و ۲۳۹ در منطقه سنتکام مبتنی بر نوآوری هستند. کوریا به عنوان فرمانده سنتکام معتقد است این فرماندهی به سرعت در حال بهبود کشف تهدیدات دریایی و آگاهی از حوزه دریایی است و با یکپارچه‌سازی شبکه هوش مصنوعی و بدون سرنشین دستیابی به دریاهای امن‌تر ایجاد شده و حفاظت از تجارت جهانی تقویت خواهد شد. گروه رزمی ۵۹ مراکزی در بحرین و اردن ایجاد کرده است که در حوزه دریایی در دریا فعالیت می‌کند و گروه رزمی ۹۹ در قطر مستقر است که در حوزه هوایی فعالیت می‌کند و در نهایت، گروه رزمی ۳۹، جدیدترین گروه رزمی آمریکا در منطقه می‌باشد که در حوزه زمین با تمرکز بر مقابله با پهپادها در حال ارزیابی و فعالیت است (کوریا، ۲۰۲۳).

جدول شماره ۱. مقایسه رویکردهای اصلی نظامی دوران ترامپ و بایدن		
دوران بایدن	دوران ترامپ	
<ul style="list-style-type: none"> - پرسنل - شرکا - نوآوری^۱ 	<ul style="list-style-type: none"> - آماده‌شدن - دنبال نمودن - غلبه کردن 	رویکرد استراتژیک (اولویت‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - هدایت و توانمندسازی عملیات‌ها و اقدامات نظامی به‌همراه متحدان و شرکای آمریکا در راستای افزایش امنیت و ثبات منطقه‌ای و پشتیبانی از منافع پایدار آمریکا 	<ul style="list-style-type: none"> - هدایت و میسر کردن عملیات و اقدامات نظامی توسط سنتکام به‌همراه متحدین و هم‌پیمانان خود برای افزایش امنیت و ثبات منطقه‌ای با هدف تحقق منافع پایدار آمریکا 	مأموریت
<ul style="list-style-type: none"> - بازدارندگی یکپارچه 	<ul style="list-style-type: none"> - بازدارندگی رقابتی 	بازدارندگی
<ul style="list-style-type: none"> - جلوگیری از اقدامات خصمانه ایران علیه نیروها و منافع آمریکا و تقویت قابلیت شرکای آمریکا جهت دفاع از خود - تضعیف و نابودی سازمان‌های تندرو و خشن به‌عنوان یک چالش مداوم که باعث بی‌ثباتی منطقه و سرزمین آمریکا شده و منافع حیاتی آمریکا، شرکا و متحدان آن را مورد تهدید قرار داده است. - رقابت راهبردی بلندمدت با چین و اقدامات هم‌زمان با روسیه. 	<ul style="list-style-type: none"> - حمایت از مدیریت راهبرد دولت در جنوب آسیا شامل عملیات نگهبان آزادی و مأموریت پشتیبانی استوار در افغانستان - مقابله با سازمان‌های افراط‌گرای خشن در منطقه سنتکام شامل عملیات عزم استوار^۲ در عراق و سوریه؛ - مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده ج.ا.ایران در سرتاسر منطقه 	اقدامات اساسی در سطح منطقه

رویکردهای نظامی	- افزایش ظرفیت شرکا	- همکاری و مشارکت منطقه‌ای
غالب در سطح منطقه (مرتبط با ج.ا.ایران)	- تقویت دفاع موشکی و هوایی	- تقویت ائتلاف‌های دریایی
	- کمک‌های نظامی و فروش تسلیحات	- تقویت سیستم دفاع هوایی و موشکی یکپارچه
	- جمع‌آوری اطلاعات	- برگزاری تمرینات و رزمایش‌های هدفمند
	- ائتلاف‌سازی	- نوسازی ساختار استقرار ارتش آمریکا در سطح منطقه
	- آماد رسانی	- جمع‌آوری اطلاعات
		- توزیع یافتی نیروهای نظامی در سطح منطقه

۵. نتیجه‌گیری

منابع غنی انرژی، وجود رژیم صهیونیستی و نقش آفرینی ج.ا.ایران به‌عنوان یک بازیگر ضد نظام سلطه و نیز نفوذ روزافزون چین و روسیه، منطقه غرب آسیا را در یک جایگاه مهم در راهبردهای ملی آمریکا قرار داده است. این منطقه همواره برای آمریکا چالشی بسیار بزرگ بوده و به‌رغم حضور میدانی و صرف هزینه‌های هنگفت میلیارد دلاری به اهداف و منافع خود نرسیده است. مهم‌ترین چالش و تهدید آمریکا در منطقه، جمهوری اسلامی ایران است و آمریکا با اقدامات مختلف از طریق همکاری و مشارکت شرکا و متحدان منطقه‌ای خود مترصد مهار و منزوی‌سازی ج.ا.ایران می‌باشد. آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ و بایدن با ایجاد ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در منطقه علاوه بر کسب منافع اقتصادی خود، با انجام اقدامات و فعالیت‌های مختلف نظامی به دنبال پیاده‌سازی راهبرد موازنه از راه دور به‌منظور جلوگیری و مهار ج.ا.ایران در منطقه است. تهدید نشان دادن ج.ا.ایران، بسترسازی مناسبی را جهت توجیه حضور آمریکا در منطقه، مسئولیت‌پذیری بیشتر کشورهای عربی و ناتو در ایجاد امنیت منطقه را ایجاد خواهد کرد. آمریکا جهت حفظ هژمونی در منطقه، مطابق

با اسناد راهبرد ملی خود سازوکارهای نظامی گوناگونی را جهت ایجاد بازدارندگی در برابر ج.ا.ایران در دستور کار خود قرار داده است. این رویکردها علی‌رغم تفاوت در اقدامات عملیاتی و تاکتیکی در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ و بایدن، در اصول راهبردی مشترک می‌باشد. مقابله با اقدامات منطقه‌ای و توانمندی موشکی و پهپادی ج.ا.ایران در سطح منطقه و نیز کنترل رفتارهای ج.ا.ایران در حوزه دریایی از مهم‌ترین اقدامات آمریکایی‌ها در حوزه نظامی بوده است که در راهبرد کلان تحت‌عنوان راهبرد بازدارندگی یکپارچه عنوان شده است. بازدارندگی یکپارچه به مهار و کنترل مشترک توسط بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با مدیریت آمریکایی (سنتکام) در منطقه اشاره دارد.

منابع

الف - فارسی

- ازغندی، سید علیرضا (۱۳۸۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها*. تهران: نشر قومس.
- شنایدر، کریک (۱۹۹۹). *امنیت و راهبرد در جهان معاصر، مترجمان عسگری صدر، اکبر و فرشادامیری*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۶). *طرح‌ریزی راهبردی نظامی در صحنه جنگ و عملیات*. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- اندیشکده راهبردی تبیین (۱۳۹۶). «بررسی استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا»، *مجموعه گزارش‌های راهبردی*، قابل دسترسی در: www.Tabyincer.ir.
- آژانس خبری سعودی (۲۰۲۳). «مشارکت نیروی دریایی عربستان در رزمایش بین‌المللی دریایی چندملیتی»، قاب دسترسی در: www.spa.gov.say، (IMX/CE23).
- پاک‌نیا، مهدی (۱۳۹۸). *تغییر جایگاه غرب آسیا در اسناد راهبردی آمریکا و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران*. گزارش کارشناسی، شماره ۱۶۴۷۸، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل دسترسی در: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1149031/>.
- حسینی، سید حامد (۱۳۹۹). *رقابت چین و روسیه در زمین خاورمیانه*، سایت مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، ۱۴ اسفند، قابل دسترسی در: <https://iiwfs.com/>.
- خبرگزاری مشرق (۱۳۹۷). «ارزیابی جدید جامعه اطلاعاتی آمریکا از تهدیدات جهانی و منطقه‌ای علیه ایالات متحده»، قابل دسترسی در: <https://www.mashreghnews.ir/news/>.
- دنیای اقتصاد (۱۴۰۱). «سند دفاع ملی آمریکا درباره ایران چه می‌گوید؟ راهبرد بایدن برای منطقه»، قابل دسترسی در: donya-e-eqtasad.com.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۲). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه*. تهران: نشر میزان.
- سلیمان‌زاده، سعید، امیدی، علی، و براتی، سحر (۱۳۹۷). «راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزوا گرابی-واقع‌گرای»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۸ (۲۸)، ۲۸۳-۲۶۹.

- عباسی، مجید، و طاهری، طاهر (۱۳۹۸). «راهبرد موازنه فراساحلی آمریکا در خاورمیانه و پیامدهای آن برای ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۱ (۴۱)، ۵-۳۵.
- عسگری، محمود (۱۳۸۶). «شاخص‌های قدرت منطقه‌ای»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۵ (۱۸)، ۷۶-۴۵.
- غفاری، مژگان (۱۴۰۱). «فرمانده سنتکام: ایجاد پدافند یکپارچه در خاورمیانه با مشارکت رژیم صهیونیستی اولویت ماست»، *گزارش ایندپندنت فارسی*، قابل دسترسی در: www.independentpersian.com.
- فتحی، محمدجواد، عیوضی، محمد رحیم، و پیرانی، شهره (۱۴۰۱). «چشم‌انداز خروج آمریکا از غرب آسیا در پرتو سیاست راهبردی منطقه‌ای»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۸ (۲)، ۱۷۴-۲۲۴.
- فرهادی، فرشید، و یزدانی، عنایت‌ا... (۱۳۹۸). «بازسازی مفهومی و نظری بازدارندگی در سامانه‌های پیچیده و آشوبی»، *مجله سیاست دفاعی*، ۲۸ (۱۰۹)، ۹-۴۳.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸). «الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، ۱ (۳)، ۵۵-۸۳.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۲). «نظم نامتقارن سیستم‌های پیچیده و آشوب و راهبرد دفاع جامع در سیستم بازدارندگی»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۶ (۱)، ۱۹۲-۲۱۹.
- قربانی‌زواره، محمدحسین (۱۳۹۹). *تئوری‌سازی جنگ ترکیبی*. تهران: شهید صیاد شیرازی.
- مظاهری، محمدمهدی (۱۴۰۱). «سیاست آمریکا در قبال غرب آسیا؛ منافع و پیشران‌ها»، مرکز *مطالعات سیاسی و بین‌المللی*، قابل دسترسی در: www.ipis.ir.
- مؤسسه مطالعات معاصر ملل (ایران-یوریکا) (۲۰۱۷). *راهبرد امنیت ملی ایالات متحده آمریکا*، قابل دسترسی در: <https://www.eurica.ir/>.
- یزدان پناه‌درو، کیومرث، زارعی، بهادر، و رحیمی، رضا (۱۳۹۷). «بررسی عوامل ژئوپلیتیکی تمایل آمریکا به شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در خلیج فارس و آثار آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۴ (۲)، ۸۳-۱۰۸.
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۶). «راهبرد دولت ترامپ در مورد ایران؛ اهداف و سازوکارها»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۰ (۷۶)، ۱۷۹-۱۸۴.

- یزدانی، عنایت‌اله، ربیعی‌نیا، بهمن، و مهدیان، حسین (۱۳۹۶). «سیاست امنیت انرژی آمریکا و ژئوپلیتیک انرژی ایران»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ۹ (۳۰)، ۱-۲۷.

ب- انگلیسی

- Coats D, R. (2019). "Worldwide Threat Assessment", office of director of national intelligence, At: <https://www.intelligence.gov/annual-threat-assessment>.
- Combined Maritime Forces (2022). "CTF: 153 Red Sea Maritime Security", At: www.CombinedMaritimeForces.com.
- Congressional Research Service (2020). "Arms Sales in the Middle East: Trends and Analytical Perspectives for U.S. Policy", November 23, R44984, *Congressional Research Service*, At: <https://crsreports.congress.gov/product/details?prodcode=R44984>
- Cooper, H. Thomas, G-N. and Ben, H. (2018), "U.S., Britain and France Strike Syria Over Suspected Chemical Weapons Attack", *The New York Times*, At: <https://www.nytimes.com/2018/04/13/world/middleeast/trump-strikes-syria-attack.html>.
- Department of Defense (2016). *Dictionary of Military and Associated Terms-Joint Publication 1-02*, At: https://irp.fas.org/doddir/dod/jp1_02.pdf.
- Department of Defense (2018). "Summary of the National of The United State of America", *U.S. Department of Defense (.gov)*, At: <https://dod.defense.gov/Portals/1/Documents/pubs/2018-National-Defense-Strategy-Summary.pdf>.
- DOD (2018). *Dictionary of Military and Associated Terms*, At: <https://irp.fas.org/doddir/dod/dictionary.pdf>.
- Kurilla, M.E. (2023). *The Posture of U.S Central Command*, SASC Hearing, Mar 16.
- McKenzie, K. F. (2020). *CENTCOM and the Shifting Sands of the Middle East: A Conversation with Central Command Commander*.
- McKenzie, K. F. (2022). *THE POSTURE OF U.S.*, Central Command.
- National Security Strategy Report (NSS) (2022). *published by the executive branch of the United States government*, At: <https://history.defense.gov/Historical-Sources/National-Security-Strategy/>.
- Trump, Donald (2018). President Trump on Syria Strikes: Full Transcript and Video, *By The New York Times*, <https://www.nytimes.com>.
- Votel, J. L. (2017). "The Poster of U.S. Central Command", *The United States Central Command*, At: <https://www.loc.gov/item/lcwaN0014481/>.
- Votel, J. L. (2018). "The Poster of U.S. Central Command", *The United States Central Command*, At: <https://www.loc.gov/item/lcwaN0014481/>.